

مؤلفه‌های حفظ کرامت زن و نقش تربیتی آن در سبک زندگی اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۱۰

علی نقی فقیهی^۱

هدف پژوهش حاضر شناسایی مؤلفه‌های حفظ کرامت زن و تبیین نقش تربیتی آن در سبک زندگی اسلامی است که به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفت. داده‌های پژوهش پس از بررسی منابع موجود و مرتبط، با استفاده از فرم‌های فیش برداری جمع‌آوری شد و با شیوه‌های کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. دستاورد این پژوهش، شناسایی شش مؤلفه حفظ کرامت زن شامل آگاهی از توانمندی‌های سرشتی، توجه به توانمندی‌های اکتسابی، توجه به نتیجه کرامت، پرورش حیا، پرورش عزت نفس، آشنایی با حقوق خویش است. همچنین پنج نقش تربیتی در سبک زندگی اسلامی شناسایی شد که عبارتند از: شکل‌گیری شخصیت سالم، تقویت دین‌داری، آراستگی به رفتار عزتمندان در زندگی، کنترل خود از آلودگی‌ها، افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی. توجه به این مؤلفه‌ها می‌تواند زندگی زنان جامعه را به سمت زیست دین‌دارانه هدایت کند.

واژگان کلیدی: کرامت زن، مؤلفه‌ها، نقش تربیتی، سبک زندگی اسلامی.

۱. دانشیار علوم تربیتی، دانشگاه قم، قم، ایران.

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین مباحث حوزه معرفتی و تربیتی زن، مسئله حفظ کرامت و جایگاهی است که در تکوین و نظام اخلاقی و حقوقی برای او در نظر گرفته شده است. واژه کرامت اسم مصدر کَرَم و به معنی عزت و برتری در ذات انسان است. از آثار آن بزرگی، بزرگواری، شرافت، جود و سخاوت است. بنابراین، به این معانی در مقابل هوان و پستی به کار می‌رود و شاهد آن آیه «وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ» است. در قرآن کریم این واژه به همراه مشتقات آن ۵۰ بار به کار رفته است و در همه موارد معنای عزت و برتری داشتن در ذات دارد. البته خصوصیات کرامت، با اختلاف مصادیق و افراد آن فرق می‌کند؛ بدین معنا که گاه کرامت در موضوعات خارجیه استعمال می‌شود، مثل «کِتَابٌ كَرِيمٌ» یا «مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٌ» و گاه در مورد سخن، مثل آیه «وَقُلْ لَهَا قَوْلًا كَرِيمًا» و گاه در مورد انسان، مثل آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» یا آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» و گاه در مورد ملائکه، مثل آیه «كِرَامًا كَاتِبِينَ» و استعمال در مورد خداوند متعال مثل آیه «فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ»؛ ولی معنای جامع کلی در همه این مصادیق یکی است و آن عزیز بودن و شرافت داشتن در ذات یک چیز است. (مصطفوی، ۱۳۸۵، ۱۰/۵۰-۴۹)

منظور از کرامت زن، همان نحوه وجود و هستی شرافت‌مندانه انسانی اوست که در آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» به آن پرداخته شده است. نظام‌های دینی، تربیتی، حقوقی و اخلاقی مکاتب و جوامع مختلف، معرف میزان توجه و ارزش‌گذاری به جایگاه شأن و مقام انسانی، زن به مثابه جنس آدمی است. در برخی از دیدگاه‌ها زن دارای کرامت نیست، نظیر آنچه در آموزه‌های مسیحیت آمده است که زن با مرد تفاوت‌های ماهوی و اساسی دارد. از جمله اینکه آدم، اول و حوا دوم آفریده شد؛ آدم فریب شیطان را نخورد، اما زن فریب شیطان را خورد و آدم را نیز گرفتار کرد. (سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۵، به نقل از تیموتاؤس، کتاب مقدس، رساله اول پولس، ۲: ۸-۱۵) ترتولینوس می‌گوید: «زن دری است که دیواز آن به درون می‌آید» (ویل دورانت، ۱۳۸۴، ۷۱۷/۳) «و به سبب (به خاطر) زن بوده که پسر خدا ناگزیر به مردن شده است!! از این رو، باید پیوسته جامه سوگ و ژنده به تن داشته باشد» (دوبووار، ۱۳۸۵، ۱۵۹/۱). آموز قدیس نیز معتقد است که حوا، آدم را به گناه سوق داد نه برعکس؛ شرط عدالت است که زن کسی را که به گناه رهنمون شده به منزله فرمانروا بپذیرد (دوبووار، ۱۳۸۵، ۱۵۹/۱). همچنین توماس

آکوپیناس زن را موجودی ناقص و مذکر منحرف شده دانسته است که از نظر جنه و عقل و اراده، ضعیف تر است. به نظری زن در همه چیز به مرد احتیاج دارد، ولی مرد فقط برای تولید نیازمند زن است. زن باید مرد را مولای طبیعی خود بداند، باید راهنمایی او را بپذیرد و انضباط و مؤاخذه‌های او را گردن نهد و از این طریق است که زن به مقصد اصلی و به سعادت خویش نائل خواهد آمد. (ویل دورانت، ۱۳۸۴، ۴/۱۳۱۱؛ دویووار، ۱۳۸۵، ۱۹/۱ و ۱۵۹)

توماس آکوپیناس همچنین بر این باور است که زن به علت ضعف طبیعت خود، چه عقلی و چه جسمی، تابع مرد است. مرد آغاز و انجام وی است، همانطور که خداوند بدایت و نهایت تمام موجودات است. زن طبق قانون طبیعت باید مطیع و منقاد باشد و حال آنکه یک نفر برده چنین نیست. این دانشمند بزرگ حتی در موازنه میان پدر و مادر بر این اعتقاد است که کودکان باید پدران را بیشتر از مادرشان دوست بدارند. (ویل دورانت، ۱۳۸۴، ۴/۱۱۱۱) توماس قدیس بر این اعتقاد بود که زن با نخستین مقصود طبیعت یعنی، کمال جویی منطبق نیست بلکه با دومین مقصود طبیعت یعنی گنبدگی، بد شکلی و فرتوتی انطباق دارد (گری، ۱۳۸۴). آگوستین قدیس که شاید بتوان وی را برجسته‌ترین عالم مسیحی در تمام اعصار نامید، معتقد بود که زن حیوانی است که نه استحکام دارد و نه استواری، زن از بدی تغذیه می‌کند و سرآغاز همه دعاوی و مخالفت‌هاست و راه و طریق هر گونه فساد اخلاقی است. (دویووار، ۱۳۸۵، ۲۸/۱ و ۱۶۸) ژان کریسوستوم قدیس نیز اظهار داشته است که در میان تمام جانوران وحشی زیان‌بارتر از زن وجود ندارد (دویووار، ۱۳۸۵، ۱۵۹/۱). همچنین ویل دورانت می‌نویسد:

در نظر کشیشان و عالمان مسیحی قرون وسطی هنوز زن همان مقامی را داشت که در نظر یوحنا زربین دهان و پاتریاک قسطنطنیه داشت؛ یعنی زن موجودی شر اما ضروری، مصیبت‌بار اما مطلوب، خطرناک اما جذاب است. (ویل دورانت، ۱۳۸۴، ۴/۱۱۱۱)

سیستم فکری حقیر و پست بینی زنان در بین اصلاح‌طلبان کلیسای مسیحی با تعابیر غیر خشن تری نسبت به کاتولیک‌ها اظهار داشته می‌شود. ژان ژاک روسو متفکر نامدار سوئیس زنان را فاقد ویژگی‌های شهروندی می‌داند و خصوصیات مانده عقل، نیرو و خود مختاری را مردانه تلقی کرده است. (اکلشال، ۱۳۸۵) کیرگارد نیز زن بودن را بدبختی دانسته است (دویووار، ۱۳۸۵، ۲/۲).

موارد فوق نمونه‌هایی از اظهار نظرها درباره زن است. از این رو، ضرورت دارد نظر اسلام درباره کرامت زن مورد توجه قرار گیرد. در این توجه و ارزش‌گذاری که به صورت همسان برای همه افراد جامعه اعم از زن و مرد، فقط به دلیل انسان بودن در نظر گرفته می‌شود، هیچ‌گونه امتیاز مادی، موقعیت اجتماعی و پست و مقام و ثروت تعیین‌کننده نیست. این ارزش به چیزی ورای این ملاک‌ها تعلق می‌گیرد و آن احترام به نفس و ذات انسانیت زن است. آنچه در مقدار و میزان این ارزش‌گذاری تفاوت ایجاد می‌کند، نوع انسان‌شناسی و تعریفی است که هر مکتب از انسان ارائه می‌دهد که با نگاه به این تعریف انسان و موشکافی آن می‌توان به جان‌مایه فکری و فلسفی و جهان‌بینی آن پی برد.

در تعریف‌های گوناگون، کوشش‌هایی برای ارج نهادن به زن و ارزش او مشاهده می‌شود که در پوششی از اندیشه‌گری و رمزآفرینی گنجانده شده است (رشاد، ۱۳۸۰)، اما در بین این مکاتب، جایگاه زن در اسلام، ویژه بوده و از یک انسان‌شناسی عمیق نشأت می‌گیرد که در آن زن همانند مرد، از ویژگی‌های بسیار متمایزی برخوردار است که خداوند وی را به زیباترین وجه تصویرسازی کرده است: «فَأَحْسَنَ صُورِكُمْ» (تغابن: ۳) و به خاطر احسن المخلوقین بودنش، خداوند خود را احسن الخالقین نامیده است (رک: مؤمنون: ۱۴). در هیچ کجا آن گونه که قرآن گوهر زن و مرد را ترسیم نموده است، جنبه‌های برجسته و چرایی کرامت انسانی تکرار نشده و در نظر گرفته نشده است. علت این تکرار، تأکید بر این اصل تربیتی است که خودآگاهی و توجه به برتری انسانی و گوهر ارزشمندی که در اوست، با بن‌مایه حب ذات، او را به حراست و پاسداری از کرامت خویش فرا می‌خواند و به سوی ارزش‌های متعالی و تربیتی سوق می‌دهد. ضرورت این کرامت، در مهم‌ترین گوهری که خداوند متعال به زن و مرد داده است و سرتعظیم همه فرشتگان بر آن فرود آمده، نهفته است؛ همان ویژگی خاص که خشوع و خضوع در برابر آن نشانه بندگی بوده است: «فسجد الملائکه کلهم اجمعون» (حجر: ۳۰).

در این دیدگاه، کرامت انسانی زنجیره اتصال به کرامت خدایی است و امنیت داشتن، کوشش، پندپذیری و در میدان ارزش‌ها بودن را به همراه دارد و کسی که کرامت انسان را نادیده می‌انگارد و با انسان‌ها با تکبر و ناشایست رفتار می‌کند، کافر («وکان من الکافرین») (بقره:

۳۴) است و از محضر الهی اخراج و محروم می‌شود: «قال فاخرج منها فانك رجيم» (حجر: ۳۴). این تأکید به حدی است که پرورش، بروز، ارتقا و تمامیت بخشی به آن از اهداف نظام تعلیم و تربیت و انگیزه اصلی رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است: «انما بعثت لاتمم مكارم الاخلاق» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۸۲/۶۸). و بازتاب این اندیشه، وظایف نظام‌های حقوقی، اخلاقی و تربیتی جامعه را درباره کرامت و منزلت انسانی زن و مرد، تعیین می‌کند.

از طرفی این آموزه اخلاقی، تربیتی و حقوقی دربرگیرنده برابری حقوق بوده و گلی‌سازی این اصل اخلاقی، مصالح و منافع دیگران و همه انسان‌ها را نیز در بر می‌گیرد. (عالمان، ۱۳۸۷) بنابراین، از مهم‌ترین محورهای تربیت الهی رسیدن زن و مرد به کرامت نفس است که در تمام شئون سبک زندگی انسان باید احساس خودارزشمندی ایجاد گردد. بر این اساس، سبک زندگی در راستای اهداف رسالت پیامبران و در راستای ابعاد مختلف انسانی گام برمی‌دارد و برای تجلی شخصیت انسانی، عزت نفس، حرکت به سوی رشد فردی و اجتماعی و رسیدن به کمال، به مؤلفه‌های حفظ کرامت نفس که استقلال فرد و اعتماد نفس ایجاد می‌کند، توجه دارد (نجفی... و متقی، ۱۳۸۹). با توجه به این مطالب، پژوهش توصیفی تحلیلی حاضر با بررسی‌های کیفی به شیوه تحلیل مضمون؛ درصدد پاسخگویی به این پرسش است که مؤلفه‌های حفظ کرامت زن کدامند و نقش تربیتی آنها در سبک زندگی اسلامی چیست؟

۲. مؤلفه‌های حفظ کرامت زن

از مهمترین و بزرگ‌ترین نعمت‌هایی که خداوند سبحان به انسان بخشیده است، نعمت کرامت و شرافت ذاتی و ظرفیت بسیار وسیع انسان برای تحولات تکاملی است که سرچشمه زندگی و حیات طیبه در دنیا و آخرت است که البته چنین زندگی و حیاتی منوط به حفظ این کرامت است.

۱-۲. آگاهی از توانمندی‌های سرشتی

مبنای کرامت زن در اسلام، بازگشت به ذات و خلقت انسانی اوست. زن همانند مرد عقل و اختیار دارد و راه رسیدن به کمال برای او هموار است. از این‌رو از آزادی و کرامت ذاتی

برخوردار است. در خطاب های قرآنی کرامت زن در تساوی با مردان دانسته شده است؛ قرآن کریم مرد و زن را از نظر ارزش انسانی و معنوی، برابر می داند و با خطاب های «یا ایها الناس» (و) «یا ایها الذین آمنوا» هر دو را یکسان مورد خطاب قرار داده است. در هیچ یک از خطاب های قرآن تفاوتی بین زن و مرد مشاهده نمی شود. هویت انسانی زن در تساوی با هویت مرد در اصل خلقت تبیین شده است. در شرایطی که بعضی از اندیشه های قدیم، زن را جزء حیوانات برمی شمردند و انسان بودنش را باور نداشتند، اسلام با صراحت، برابری زن و مرد را در خلقت و هویت انسانی بیان کرد و زن را یکی از دو عنصری که انسان ها از آنها پدیدار گشته اند معرفی کرد:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً.

ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد پروا دارید. (نساء: ۱)

از نظر قرآن حقیقت مرد و زن یک چیز بوده و آن انسانیت است. مرد بودن و زن بودن از خصوصیات این حقیقت است که برای تکمیل آفرینش با دو خصوصیت ظهور نموده است و امتیاز هریک از دیگری با داشتن تقوای الهی روشن می گردد:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ.

ای مردم ما شما را از دو جنس مرد و زن آفریدیم و شما را به صورت گروه و قبیله ها قرار دادیم، تا هم دیگر را بشناسید و به درستی که گرامی ترین شما در نزد خدا، پرهیزگارترین شماست. (حجرات: ۱۳)

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا؛

او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید، و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا با او آرامش یابد. (اعراف: ۱۸۹)

در این آیات، تصریح شده است که زن و مرد، از یک گوهر و یک حقیقت خلق شده اند و مراد از «نفس» همان اصل ذات انسان است.

۲-۲. توجه به توانمندی های اکتسابی

از منظر قرآن کریم، همانطور که زن و مرد در کرامت ذاتی انسانی یکسانند؛ در ارتقا بخشی به کرامت انسانی از طریق اکتساب و انتخاب و انجام برنامه های تربیتی، اخلاقی، علمی، دین داری و رسیدن به سعادت و کمال یکسانند. قرآن می فرماید:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.

هر فرد مؤمنی از زن و مرد که شایسته عمل کند، ما او را به حیات طیبه زندگی می بخشیم و آنان را به طراز نیکوترین اعمالشان پاداش می دهیم. (نحل: ۹۷)

این آیه ثابت می کند، زندگی پاکي که از درون این زندگی، به واسطه عمل صالح برمی خیزد سبب روشنایی قلب و نشانه کمال و قرب انسان می شود، برای مرد و زن به طور مساوی ممکن و میسر است:

وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ.

هر کس کار شایسته انجام دهد خواه مرد باشد یا زن، در حالیکه مؤمن باشد، آنها وارد بهشت می شوند و در آن، روزی بی حساب به آنها داده خواهد شد. (غافر: ۴۰)

أَلَيْ لَا أَضْمِيعُ عَمَلٍ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ.

عمل هیچ کس را ضایع نمی نمایم، خواه مرد باشد یا زن، بعضی شما از برخی دیگر هستیید، همگی از یکدیگر خلق شدید؛ مرد مولود از زن و زن مولود از مرد و همه از آدم هستیید. (آل عمران: ۱۹۵)

از نظر اسلام، کرامت و ارزش زنان و مردان در دنیا و آخرت، در گرو اعمال و رفتار خوب یا بدشان است. بنابراین، زنان نیز در کرامت اکتسابی مثل مردان می توانند از راه تقوا، تلاش و کوشش معنوی و رفتار شایسته و انسانی به کرامت بسیار بالایی دست یابند. بر این اساس، قرآن کریم نمونه هایی از زنان مانند حضرت مریم، آسیه همسر فرعون و... را بیان می نماید که از راه تلاش و کرامت اکتسابی از بسیاری از مردان جلو افتادند.

۲-۳. توجه به نتیجه کرامت

زنانی که خود را به اسلام و ایمان و برقراری رابطه با خدا، محاسن و مکارم اخلاقی آراسته

می‌کنند و به انجام کارهای ارزشی و اعمال صالح می‌پردازند، همانند مردان آراسته به این کرامت‌ها، از نتیجه کرامت یعنی، غفران و پاداش عظیم الهی برخوردار می‌شوند. خداوند در آیه ۳۵ سوره مبارکه احزاب می‌فرماید:

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَائِتِينَ وَالْقَائِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا.

همانا کلیه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان صابر، و مردان و زنان خداترس و خاشع، و مردان و زنان خیرخواه و مسکین نواز، و مردان و زنان روزه‌دار، و مردان و زنان باحفاظ و خوددار، و مردان و زنانی که یاد خدا بسیار کنند، بر همه آنها خدا مغفرت و پاداش بزرگ مهیا ساخته است.

روشن است که توجه به این نتیجه بسیار با اهمیت، زمینه‌های روانی را برای حفظ کرامت فراهم می‌کند و قوای انسانی را در حرکت به سوی رشد و تعالی و زندگی سعادت‌مندانه بسیج می‌کند.

۲-۴. پرورش حیا

خداوند متعال آدمی را در مسیر کمال به حال خود رها نکرده است؛ چراکه علاوه بر هدایت بیرونی، درون انسان را به نیروهایی مجهز نموده که او را در راه سعادت راهنمایی می‌نماید. یکی از این سرمایه‌ها و ارزش‌های انسانی که دین، برای مهار خویشتن معرفی می‌کند «حیا» است. راغب اصفهانی می‌نویسد: «حیا نگهداشتن نفس از زشتی و ترک عمل زشت است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶). بنابراین، حقیقت حیا عبارت است از: خصلتی که انسان را بر انجام دادن کار نیک و ترک کار زشت برمی‌انگیزد (اکبری، ۱۳۷۶). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «هر کس لباس حیا بر تن کند، مردم عیب او را نمی‌بینند» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۱/۱/۷۱۶). با توجه به تعریف حیا و احادیثی که در این مورد بیان شده است، مشخص می‌شود که هر کس با حیا باشد، هنگام فراهم بودن شرایط گناه از آن خودداری می‌کند و نیروی حیا او را از آلوده شدن باز می‌دارد. بنابراین، حیا موهبت الهی است که انسان را به سوی بسیاری از نیک‌ها و خیرها واداشته و از بدی‌های گفتاری و رفتاری باز می‌دارد و به سوی کمال دنیوی و اخروی سوق می‌دهد

و از نابودی و تباهی نجات می‌بخشد. حیا ناشی از فطرت انسان و نشانه رشد اوست. پس انسان می‌تواند با حفظ و تقویت گوهرهای ارزشمند درونی و فطری، خود را از رذایل و آلودگی‌ها حفظ و به فضایل عالیه اخلاقی مَرِّین نماید. ایجاد محبت الهی، پرهیز از ارتکاب معاصی، بردباری، عیب‌پوشی، تعدیل‌گریزه جنسی، آرامش روانی، حفظ حجاب و حریم زن و مرد، رعایت حقوق اجتماعی، مدیریت صحیح حکومت و امنیت اجتماعی نمونه‌ای از آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی حیا در سبک زندگی اسلامی است (حیدری فرد، ۱۳۹۱).

۲-۵. پرورش عزت نفس

عزت خواهی از گرایش‌های فطری انسان است و باعث می‌شود توانمندی‌های ارزشی وی افزایش یابد. احساس قدرت، موفقیت و ارزشمندی ناشی از عزت‌طلبی، زمینه حفظ کرامت را در ارتباطات خود با دیگران در اولویت قرار می‌دهد. (نجفی، فقیهی، و ورهنما، ۱۳۹۴) عزت نفس، عبارت است از احساس ارزشمند بودن که با درک خود، توانمندی‌های خود و خودباوری واقعی همراه است و فرد با توجه به اهداف ارزشمند خویش، نسبت به زندگی احساس خوبی دارد. خودارزشمندی در واقع به منزله سیستم خودآگاهی ایمن عمل می‌کند و مقاومت، قدرت و توانایی لازم را برای بازسازی اخلاقی و تربیتی و پیشرفت ایجاد می‌نماید (کاوندی، و صفورایی، ۱۳۹۱). این احساس عزت، زمینه فعالیت‌های تربیتی را فراهم می‌سازد که بتوانند انسان‌های کاملی باشند. عزت اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی مبتنی بر عزت روان‌شناختی و احساس ارزشمندی افراد مؤمن در خویشستن است. از این رو، در سبک زندگی اسلامی ابتدا باید احساس عزت نفس در افراد پرورش یابد تا به اصحاب انسان‌های کامل اسلامی پیوند بخورند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «العزْان تذلّ لِلْحَقِّ إِذَا لَزِمَكَ» (محمدی‌ری شهری، ۱۳۹۱، ۱۷/ح ۱۲۸۳۱). خودارزشمندی و دیگر ارزشمندی باعث حق‌پذیری و پایبندی به حق می‌شود و شخص، ارزشمندی احکام الهی را درمی‌یابد و با درک هماهنگی عزت با ارزش‌های دینی و معنوی، نسبت به قانون پروردگار احساس وظیفه‌شناسی می‌کند و به اموری مانند حفظ کرامت و برخورد عزتمندانه با آنها پایبندی نشان می‌دهد و خود را از جهالت و اعمال ضدارزشی همراه با ذلت نسبت به خود و دیگران (محمدی‌ری شهری، ۱۳۹۱، ۱۷/ح ۱۲۸۳۳) برحذر می‌دارد.

۲-۶. آشنایی با حقوق خویش

یکی از موضوعات مهم که در کرامت انسانی نقش دارد، حق مالکیت است. قبل از اسلام، بسیاری از ملت‌ها برای زن در مسائل اقتصادی و... مالکیتی قایل نبودند، از این رو زنان از ارث محروم بودند. در بعضی ملت‌ها اگر زن، مالی هم داشت، نمی‌توانست در اموالش تصرف کند و بخشیدن، معامله، معاوضه و... برای زن ممنوع بود. قرآن کریم در چنین شرایطی، دستور داد که زنان، در اموال و دارایی خود، مثل مردان، حق هر نوع تصرف و مداخله را دارند؛ آنجا که می‌فرماید: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا. مردان را از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و زنان را نیز از آنچه به دست آورده‌اند، بهره‌ای می‌باشد» (نساء: ۳۲).

در روزگاری که برخی ملت‌ها برای زن، حتی در غذا خوردن و زندگی کردن با شوهر حقی قائل نبودند و او را همچون حیوانات به شکل قرض، هبه، کرایه و معامله با دیگران دست به دست نموده و کرامت و شخصیتش را آلوده و خرد می‌کردند، قرآن کریم این روش ظالمانه و افکار موهوم را محکوم کرد و زن را حتی در حقوق خانوادگی برابر با مردان دانست: «هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ هُنَّ؛ زنان لباس شما و شما لباس زنان هستید» (بقره: ۱۸۷)؛ یعنی زن و مرد برای همدیگر مانند لباس، وسیله زینت و موجب حفظ یکدیگر در برابر آفات گوناگون هستند و نباید تبعیض بین آنها روا داشته شود. اسلام برای زن‌ها حقوق خانوادگی حتی بالاتراز مردان در نظر گرفته است که عبارتند از: حق انتخاب همسر، حق مهریه، حق نفقه، حق رفتار انسانی و شایسته شوهر با زن و حق مسکن. حفاظت از کرامت زن، وظیفه‌ای است که افراد با کرامت از عهده آن برمی‌آیند (شیروانی، ۱۳۸۵). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ما اکرم النساء الا کریم و لا اهانهن الا لثیم؛ جز کسی که بهره‌ای از کرامت برده باشد، زنان را احترام و اکرام نمی‌کند و به زنان، اهانت نمی‌کند، مگر انسان پست» (المتقی الهندی، ۱۳۷۲، ۱۶/۳۷۱).

اعطای حق مشارکت اجتماعی و سیاسی از دیگر اقداماتی است که در پرورش کرامت زنان می‌توان به آن اشاره کرد. هر تحولی نیازمند اراده زنان است، زنان نیمه فعال جامعه هستند که بر نیمه دیگر نیز اثر گذارند. زنان دارای قدرت تربیت، مشارکت، مدیریت و مقاومت هستند، پس جوامعی می‌توانند به پیشرفت و توسعه دست یابند که از مشارکت

واقعی و متناسب با ظرفیت‌ها و ویژگی‌های روحی و جسمی بانوان بهره‌مند شوند. جامعه‌ای پویا و مقتدر است که از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار باشد؛ مشارکت زنان در مدیریت شهرها به‌ویژه محلات می‌تواند بیش از مردان موجب افزایش سرمایه اجتماعی شود؛ زیرا زن محور خانواده است و خانواده هسته اصلی جامعه است. داشتن جامعه‌ای پویا، پیشرو و بانشاط در گرو مشارکت زنان است. اسلام، به زنان مطابق ویژگی‌های فطری اجازه فعالیت در برخی امور اجتماعی، دوشادوش مردان داده است. پیامبر اسلام ﷺ بعد از فتح مکه، همان‌گونه که از مردان بیعت گرفت به زنان نیز امر فرمود که با شیوه‌ای خاص با آن حضرت بیعت کنند. این بیعت به دستور قرآن کریم بوده است که می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

ای پیامبر هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی نکنند، آلوده زنا نشوند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افتراپی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته‌ای از فرمان تو مخالفت نکنند، با آنها بیعت کن و برای آنها از درگاه خداوند طلب آمرزش نما که خدا آمرزنده و مهربان است. (ممتحنه: ۱۲)

امر به معروف و نهی از منکر دو واجب عقلی، شرعی و انسانی و اجتماعی‌اند که تمام اصلاحات اجتماعی بر این دو اصل مهم استوارند. قرآن کریم، زنان را نیز مثل مردان در این فریضه مهم اجتماعی، شریک دانسته است و می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ مردان و زنان با ایمان ولی و یاور یکدیگرند و به همدیگر امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند» (توبه: ۷۱).

امام خمینی رحمته‌الله علیه در تبیین نقش زنان در شاکله جامعه اسلامی می‌فرماید:

در نظام اسلامی، زن به عنوان یک انسان، می‌تواند مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه اسلامی داشته باشد، ولی نه به صورت یک شیء؛ نه او حق دارد خود را به چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که به او چنین ببیندیشند. (موسوی خمینی، ۱۳۹۳)

ایشان در سخن دیگری می‌فرماید:

ما بسیاری از موفقیت‌ها را مرهون خدمت‌های شما بانوان می‌دانیم؛ شما هستید که علاوه بر آنکه خودتان فعالیت می‌کنید، فعالیت را در مردها مضاعف می‌کنید و شما بودید که در زمان طاغوت، تحت رنج و شکنجه روحی واقع شدید و بحمدالله با قدرت خودتان و تعهد خودتان آن قدرت شیطانی را از صفحه روزگار بیرون کردید.

(موسوی خمینی، ۱۳۹۳)

احیای شرافت مادری و تربیت فرزند بُعد دیگر مسئولیت‌های حقوقی زن است. امام خمینی علیه السلام با شناخت درست نقش مادری، بر اهمیت و ارج نهادن به آن تأکید داشته و نقشه‌های شوم استعماری را در نادیده گرفتن این وظیفه مهم نقد می‌کند و می‌فرماید:

مع الأسف در آن حکومت طاغوتی این شغل را می‌خواستند از این مادرها بگیرند، تبلیغ کردند به اینکه زن چرا بچه داری بکند... این شغل شریف را منحط کردند در نظر مادرها، برای اینکه می‌خواستند که مادرها از بچه‌ها جدا بشوند، بچه‌ها را ببرند در پرورشگاه‌ها بزرگ کنند، مادرها هم علی‌حده بروند یک کارهایی که آنها دلشان می‌خواهد بکنند. (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ۹۰/۸)

ایشان در ادامه همین سخن، شغل مادری را شغل انبیا و در راستای تربیت انسان معرفی می‌کند. ایشان در تبیین شرافت مادری که در جایگاه زن و علو مقام انسانی او نقش دارد، تأکید می‌کند:

شما خانم‌ها شرافت مادری دارید که در این شرف از مردها جلو هستید و مسئولیت تربیت بچه در دامن خودتان دارید. اول مدرسه‌ای که بچه دارد، دامن مادر است. مادر خوب، بچه خوب تربیت می‌کند و خدای نخواست، اگر مادر منحرف باشد، بچه از همان دامن مادر، منحرف بیرون می‌آید... حرف مادر، خلق مادر، عمل مادر در بچه‌ها اثر دارد. (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ۹۱/۸)

از حقوقی که می‌تواند کرامت زنان را تقویت نماید، ایجاد زمینه‌های لازم برای تحصیل و تدریس است. تعلیم و تعلم در زمینه‌های مختلف علم و فرهنگ، با تأکید بر تربیت و تهذیب نفس، تأمین‌کننده شخصیت و منزلت علمی، فرهنگی و معنوی زن و کرامت انسانی اوست. انسان در سایه علم و دانش ورزی است که به درک صحیح از جهان هستی و نقش خود در این عالم پررمز و راز پی می‌برد و به سوی کمال گام برمی‌دارد. از این رو در اسلام،

علاوه بر اینکه زنان از حق تحصیل و علم‌آموزی برخوردارند، این امر از وظایف زن و مرد مسلمان است. امام صادق علیه السلام درباره نقش و اهمیت علم و دانش در زندگی سعادت‌مندان می‌فرماید: «لَا يَنْبَغِي لِمَنْ لَمْ يَكُنْ عَالِمًا أَنْ يُعَدَّ سَعِيدًا؛ کسی که بهره‌ای از دانش ندارد، معنا ندارد که دیگران او را سعادت‌مند بدانند» (حرانی، ۱۴۰۴).

حق دیگری که می‌تواند برای احیای کرامت انسانی زن کاربرد داشته باشد، توجه به شخصیت انسانی زن و تأکید بر فضایل اخلاقی وی است. امام خمینی رحمته الله علیه در این باره می‌فرماید:

زن‌ها نباید ملعبه دست جوان‌های هرزه بشوند، زن‌ها نباید مقام خودشان را منحط کنند و خدای ناخواسته بزک کرده بیرون بیایند و در انتظار مردم فاسد قرار بگیرند. زن‌ها باید انسان باشند، زن‌ها باید تقوا داشته باشند، زن‌ها مقام کرامت دارند... خداوند شما [زنان] را با کرامت خلق کرده است. (موسوی خمینی، ۱۳۸۵/۱، ۲۸۷)

تکریم زن در نگاه امام رحمته الله علیه تا بدانجاست که ایشان زن را انسانی بزرگ و مربی جامعه و مایه سعادت و شقاوت کشور دانسته و می‌گوید:

زن انسان است، آن هم یک انسان بزرگ. زن مربی جامعه است. از دامن زن انسان‌ها پیدا می‌شوند، مرحله اول مرد و زن صحیح از دامن زن است، مربی انسان‌ها زن است، سعادت و شقاوت کشورها، بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند. مبدأ همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود. (موسوی خمینی، ۱۳۸۵/۷، ۵۷)

۳. تأثیر تربیتی حفاظت از کرامت زن در سبک زندگی اسلامی

مجموعه مؤلفه‌های ذکر شده، زمینه‌ساز حفظ کرامت زن در زندگی است. آن مؤلفه‌ها به صورت حلقه‌های زنجیری مرتبط با هم ویژگی‌های روانی، عاطفی، اجتماعی، اقتصادی، معنوی و دینی را فراهم می‌سازند. بنابراین، باید مجموعه این مؤلفه‌ها در افراد تقویت شود تا به تمام آثار منجر گردد.

۱-۳. شکل‌گیری شخصیت سالم

محافظت از کرامت به شکل‌گیری شخصیت سالم می‌انجامد. از منظر قرآن کریم، انسان باید

ظرفیت‌های کرامتی خود را برای اهداف عالیه تربیتی برخاسته از فطرت به فعلیت درآورد و شاکله‌ای سالم را برای خود بسازد و براساس شاکله سالم عمل کند؛ یعنی انتخاب‌ها، رفتارها، واکنش‌ها، دوستی‌ها و دشمنی‌ها و چگونگی ابراز عواطف از شخصیت سالم و هویت مطلوب وی سرچشمه بگیرد. شخصیت سالم، منشأ رفتارها و عواطف مثبت و سازنده است؛ شخصیتی که از سلامت برخوردار نیست، منشأ رفتارهای غیرمنطقی و ناشایسته است. برای درک حیات طیبه، احساس امنیت، رضایت و شادکامی، باید ساختار شخصیتی فرد یعنی، نظام باورها، اندیشه‌ها، عادات و ویژگی‌های اخلاقی او سامان یابد. قرآن شاکله کرامتی - ایمانی و عمل صالح هماهنگ با آن را عامل نیل به حیات طیبه دانسته و می‌فرماید:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.

هر کس از مرد یا زن، که مؤمن باشد و کار شایسته کند، حتماً به زندگی پاک و پسندیده‌ای زنده‌اش می‌داریم و قطعاً مزدشان را نیکوتر از آنچه انجام داده‌اند، خواهیم داد. (نحل: ۹۷)

از سوی دیگر، باید توجه داشت که «هر کس برطبق شاکله خود عمل می‌کند» (ربک: اسراء: ۸۴) و تا شاکله سالم برای خود نسازد، رفتارهای پسندیده و نتایج مطلوب آن را نمی‌تواند داشته باشد. از نظر اسلام، کسی که به انجام رفتارهای پسندیده با هدف قرب الهی همت دارد، از سلامت شخصیت برخوردار است. از این رو، تمام اهداف، رفتارها و گرایش‌های او برای تأمین این هدف نهایی تنظیم می‌شود؛ فقط بنده خداست و از الگوهای ثابت فکری، عاطفی، اخلاقی و رفتاری برخوردار است و هیچ‌گاه دچار بحران هویت نمی‌شود (موسوی، و متقی فر، ۱۳۹۰).

حفظ کرامت نفس و احساس ارزشمندی زن از سویی و جلوگیری از آلوده شدن در ورطه بدی‌ها و امور نفسانی از سوی دیگر سبب پرورش منش و شخصیت سالم زن می‌شود. نظام‌های تربیتی باید در سایه زنده ساختن این احساس و خودباوری و اعتماد به نفس در زن و با برخورداری از بلند نظری و احترام به وی، در تعالی شخصیتش گام مؤثری بردارند. این رفتار سبب دوری از بی‌هدفی و آشفتگی می‌شود و زن را با حمایت روانی ناشی از کرامت

الهی از بهداشت جسمی، اخلاقی، روحی و روانی برخوردار می‌کند.

۲-۳. تقویت دین داری

انسان به طور فطری موجودی دینی است و با خدا و ارزش‌ها رابطه شناختی و گرایشی دارد و به صورت طبیعی دوست دارد خدایی باشد و به سوی خیر و خوبی گام بردارد و از هر گونه بی‌دینی و حرکت در مسیری خلاف مسیر پروردگار و فضائل انسانی گریزان است. این رابطه شناختی و گرایشی دیانت، فطری است که ستون استوار حیات مادی و معنوی و امنیت روانی آدمی است و مسیر عزتمندان و شرافتمندان را برای او هموار سازد و او را از حرکت اسارتی نابخردانه و ضدارزشی باز می‌دارد. بنابراین، هر انسانی به طور طبیعی دارای توانمندی‌های دین‌داری است که اگر عوامل محیطی مانع پرورش طبیعی آنها نشود و انحرافی از مسیر فطرت پدید نیاید، با به‌کارگیری عوامل مؤثر بر دین‌داری، دین‌داری در فرد رشد خواهد کرد. (فقیهی، ۱۰۰ و شکوهی‌یکتا، ۱۳۹۲)

از جمله عواملی که سبب استحکام دین‌داری زن می‌شود، حفظ کرامت است. کرامت و دین‌داری ارتباط متقابل دارند؛ زیرا کرامت محور دین و دین محور کرامت است و ظهور ایمان از کارکردهای مهم کرامت نفس است و از آنجا که ایمان، شاخص کرامت است، نقش مؤثری در ایجاد و حفظ آن دارد. ایمان، برای زن با کرامت محور و مفهومی گسترده در فطرت و ذات پاک انسانی است و با روح و نهاد او رابطه‌ای مستقیم دارد؛ به انسان ابعاد چندگانه می‌بخشد و هیچ جوهری مانند ایمان نمی‌تواند به زن کرامت ببخشد و با ایجاد زمینه فضیلت‌خواهی و تقواگرایی و رحم و مروت‌خواهی آن را حفظ کند.

۳-۳. آراستگی به رفتار عزتمندان در زندگی

ایجاد عزت‌مندی و جایگاه اجتماعی در گرو کرامت نفس است. از این رو، حفظ کرامت شیوه کسب عزت‌مندی و پایگاه اجتماعی را به انسان آموزش می‌دهد. کرامت نفس برای زن جایگاه ویژه، حرمت و آبرو ایجاد می‌کند. زن با شناخت مرتبه ارزشی خود و انگیزه حرکت به سوی اهداف عالی تربیتی، جایگاه ارزشی خود را می‌یابد. دلایل بسیاری مطرح است که مبنا بودن کرامت نفس در زندگی متعالی انسانی و تقویت رفتار عزتمندان را در زندگی ثابت می‌کند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهواته؛ کسی که دارای

کرامت نفس باشد، شهوات در پیش او بی ارزش خواهند بود» (فیض الاسلام، ۱۳۸۳). ایشان همچنین در نامه ۳۱ نهج البلاغه می‌فرماید: «عزت خود را گرامی بدار؛ هرچند پستی‌ها تو را بدانچه خواهی برساند؛ زیرا آنچه را از خود بر سر این کار می‌نهی، هرگز به تو برنگردد». با دقت در این مضامین دریافت می‌شود که اساس ترقی و تکامل انسان است و در این وادی حفظ کرامت که عاملی تربیتی است، ضمن تأمین این هدف می‌تواند زمینه تحقق یک اصل مهم تربیتی را فراهم نماید و این جایگاه با توجه به تأثیری است که این احساس در زندگی فردی زن دارد.

از دیگر کارکردهای مهم کرامت نفس، تأثیرگذاری در رفتارهای زندگی اجتماعی است؛ عزتمندی جامعه در سایه پرورش روح و کرامت نفس افراد آن جامعه است، عزت مردم باعث استقلال و پیشرفت جامعه و روح جهاد و دفاع می‌شود و در این جامعه هر شخص با هر پایگاه اجتماعی و مقامی که دارد، انسانی دارای حقوق مدنی همسان با دیگری است و هیچ کس اجازه هتک حرمت دیگری را حتی اگر در بدترین شرایط جرم باشد، ندارد و ملاک خواسته‌های معنوی و رفتار با دیگران، شخصیت الهی و خود ملکوتی افراد است. برای پرورش یک شهروند کامل و ایجاد هویت مذهبی و فرهنگی و ایجاد زمینه‌های خودباوری و عدالت اجتماعی توجه به کرامت نفس لازم است. این زمینه‌ها باعث سلامت جسمی و روانی زن شده و سبک زندگی وی را با محوریت تکریم به انسان از ظلم و آسیب حفظ می‌کند. به عبارت دیگر، سلامت روان و نظام یافتن غرایز و همت عقل و نفس مطمئنه که از این کرامت حاصل شده است، سبب می‌شود تا کرامت انسان در مسیر تکاملی توسعه و افزایش یابد (مطهری، ۱۳۹۰). این حرمت زن باعث می‌شود که او هم خود را شایسته اکرام بداند، هم هرانسانی را نفخه روح الهی ببیند و در حفظ شأن و آبروی او بکوشد.

۳-۴. کنترل خود از آلودگی‌های اخلاقی

حفظ کرامت زن در ایجاد بینش عمیق اخلاقی وی مؤثر است؛ چراکه کرامت نفس پایه نظام‌های اخلاقی است. تأکید کرامت نفس بر ارزشمندی نفس و یادآوری جایگاه عالی انسان است. وقتی انسان به این درون‌نگری و خودشناسی برسد و شرافت و کرامت خویش را احساس کند، می‌تواند با خود ملکوتی که ریشه همه برتری‌ها، والایی‌ها و زیبایی‌های اخلاقی است، ارتباط برقرار نماید و خویشتن را به علم حضوری درک کند. (مطهری، ۱۳۹۳) این

ارتباط باعث می‌شود از هر رذیلت اخلاقی که او را از خدا دور می‌کند، حذر کند. بنابراین، حفظ کرامت در پرورش ویژگی‌های اخلاقی تأثیر بسزایی دارد و برای سوق دادن زن به سوی ارزش‌های عالی انسانی باید به وی در احیای کرامت ذاتی نفس و تحریک آن کمک نمود. در این مسیر، زن درک می‌کند که این سرمایه فقط در سایه خودارزشمندی و خودنگهداری که با خداگرایی هماهنگ است، حفظ می‌شود. از مهم‌ترین موارد این تأثیرات اخلاقی می‌توان به دوری از عجب و غرور، ایجاد حس قدردانی و تشکر، بخشش و بزرگواری اشاره کرد. اگرچه شناخت جایگاه انسان در خلقت الهی مایه مباهات است؛ راه‌گریزی از عجب و غرور نیز هست. کرامت انسانی به حدی ارزشمند است که خداوند به تعظیم در مقابل آن امر کرد و او که از تعظیم خودداری ورزید، مورد خشم و غضب الهی قرار گرفت و از درگاه الهی رانده شد. کرامت انسان، شایسته اکرام و احترام است و هرگاه کسی به این شایستگی منحصر به فرد انسان بی‌حرمتی نماید و بر آن خدشه وارد کند، سرنوشتی بهتر از ابلیس نخواهد داشت.

شکرگزاری و تربیت انسان شاکر و قدردان، از آثار دیگر حفظ کرامت است؛ زیرا از ویژگی‌های انسان کریم‌النفس، شناخت ارزش‌ها و استفاده صحیح از استعدادها و تلاش برای رسیدن به آن جایگاهی است که خداوند برای او در نظر گرفته است که این دوازدهم مهم‌ترین مصادیق شکرگزاری است. بخشیدن گناه و خطای دیگران و صبوری و احسان از فضایل انسان کریم است که وی را وادار می‌کند تا در بالاترین مقام و قدرت، ببخشد و با بخشیدن و احسان مال لذت ببرد و بر جایگاه خود بیفزاید. امیرالمؤمنین علیه السلام بر همین اساس می‌فرماید: «الکریم من بدأ بإحسانه؛ کریم کسی است که به احسان کردن پیشی می‌گیرد» (آمدی، ۱۳۷۳/۱، ۲۴۱). سادگی و صداقت در تعامل و ارتباط از نتایج کرامت نفس و عاملی برای موفقیت انسان در زندگی است. رفتار بزرگ‌منشانه با دیگران سبب می‌شود که انسان از مکر و حيله و دورویی خودداری کند. پایبندی به عهد و پیمان و هر نوع توافق صحیحی بین انسان‌ها که در آن حفظ حقوق دیگران مطرح است، از نتایج کرامت نفس است؛ زیرا کریم هرگز خود را در مظان سرزنش دیگران قرار نمی‌دهند و وفای به عهد از کرم کریمان است. از دیگر ویژگی‌های اهل کرامت، مالکیت هوای نفس است؛ چراکه او بر زبان، غضب و

امیال خویش تسلط دارد. خوش خویی و خوش اخلاقی از آثار دیگر کرامت است؛ انسان کریم خوش خو و نرم است و در مقابل خواهش دیگران با قضاوت صحیح و نرم رفتار می‌کند. قساوت و خشونت از ویژگی‌های انسان‌های لئیم و یا ناشی از عقده‌هایی است که از خودکم‌بینی ناشی می‌شود. از امام حسن عسگری علیه السلام نقل است:

کریم هنگامی که با خویشتن مواجه شود، نرم می‌شود و انسان لئیم هنگامی که مورد لطف قرار می‌گیرد، قساوت به خرج می‌دهد؛ زیرا انسان کریم، انسانی ساده و از پیچیدگی‌ها و دوروی‌ها و داشتن نیت‌های بد به دور است. (مجلسی، ۱۴۰۲، ۷۸/۳۷۸)

در حدیث دیگری حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «نرم‌خویی از اکرام است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۷/۲۰۸)

۳-۵. افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی

انسان به طور فطری موجودی اجتماعی است و این حقیقت، خود را در دوچهره نشان می‌دهد؛ یکی اینکه هر فرد انسانی گرایش به جامعه‌پذیری دارد و می‌خواهد زندگی اجتماعی داشته باشد و زندگی بدون تعامل با دیگران برای وی دشوار است و دیگر اینکه هر فردی نسبت به دیگری احساس مسئولیت می‌کند و خود را در سرنوشت دیگران و دیگران را در سرنوشت خویش مؤثر می‌داند. حفظ کرامت انسانی باعث تقویت جامعه‌پذیری آدمی و مسئولیت‌پذیری نسبت به هم‌نوعان خود می‌شود. از این رو، در آموزه‌های دینی که بر کرامت انسانی استوار است، بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی که یکی از مهم‌ترین و هدفمندترین بخش تربیت آدمی است، تأکید شده است. مسئولیت‌پذیری اجتماعی از جنبه‌های فطری آدمی است که به صورت گرایش و توانمندی در هر فردی وجود دارد و از این رو، «مدنی بالطبع» نامیده شده است. به فعلیت رساندن این توانمندی و عملیاتی ساختن این گرایش می‌تواند زمینه‌ساز تحولات تربیتی و ظهور توانمندی‌های بالقوه افراد باشد. (شریفی، ۱۳۹۱) مسئولیت‌پذیری اجتماعی نوعی احساس التزام به عمل یا واکنش فردی در موقعیت‌های گوناگون به دلیل تقید به سایرین است که نتیجه آن نوعی احساس تعهد و پایبندی به دیگران و تبعیت از قواعد و معیارهای اجتماعی و درک قواعد گروهی است که در ذهن و رفتار فرد شکل می‌گیرد (سبحانی‌نژاد، و آب‌نیک، ۱۳۹۱) که اثرات آن را به گونه‌ای همه جانبه می‌توان در زندگی انسان‌ها و در ابعاد مختلف فکری، اجتماعی، مذهبی، هنری و

اخلاقی مشاهده کرد (فقهی، و شکوهی یکتا، ۱۳۹۲).

انسان به تنهایی توانایی برطرف کردن نیازهای خود را ندارد. او هم در تأمین نیازهای مادی، همچون خوراک، پوشاک، مسکن و غیره نیازمند همکاری با دیگران است و هم در تأمین نیازهای معنوی، مثل کرامت‌مندی، دوستی و مهرورزی و... به فردی احتیاج دارد که او را دوست بدارد و او نیز آن را دوست داشته باشد. بنابراین، انسان ناگزیر از حیات اجتماعی است و بسیاری از موهبت‌های زندگی خویش را مدیون جامعه است و همواره از دیگران خیر و برکت دریافت می‌کند. در سایه تعامل با اجتماع از غم و نگرانی آزردهنده تنهایی رها می‌شود، بر لبانش گل لبخند می‌شکفتد و بر علم و تجربه و آگاهی‌های او افزوده می‌شود و این گونه است که دست لطف و مهر خداوند را احساس می‌کند، چنانکه رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «دست خداوند به همراه جماعت است» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۱، ۲/۵۳۷).

آثار سودمندی که به برکت ارتباط با جامعه و اجتماع نصیب انسان می‌شود، بی‌شک سبب ایجاد حس مسئولیت در برابر آنان خواهد شد و در این رهگذر، کم‌ترین وظیفه انسان، بازداشتن خویش از آزار رساندن به دیگران است. بنابراین، فقط در سایه احساس مسئولیت در برابر جامعه است که رعایت حقوق دیگران معنا پیدا می‌کند و شومی ظلم و ستم آشکار می‌شود و به همین سبب است که با دیدن رنج گرسنگی و فقر و اندوه در چهره دیگران، روح آدمی آزار می‌بیند و بی‌تفاوتی برای او واژه نامأنوسی می‌شود. (معمدی، ۱۳۹۲) این بعد از ابعاد مسئولیت انسان، نسبت به سایر انسان‌هاست که در زمینه‌های گوناگون اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد که از مهم‌ترین آنها مسئولیت نسبت به فرستادگان خداوند یعنی قرآن، رسول الله ﷺ، ائمه هدی علیهم‌السلام و اطاعت از آنان است. دیگر حوزه‌های مسئولیت انسان در رابطه با دیگران شامل همه روابط خانوادگی و خویشاوندی، همسایگان، طبقات محروم، مؤمنان، حکومت و حتی بشریت که به صورت گوناگونی چون حفظ کرامت، محبت، رعایت حقوق، اقامه قسط، همکاری و هدایت اجرا می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۱/۳۱۶).

۴. نتیجه‌گیری

حفظ کرامت زن از مفاهیمی است که در فرهنگ اسلامی بر آن تأکید بسیار شده و از

ارزش‌هایی است که باید مورد توجه خاص قرار گیرد؛ چراکه شناخت دقیق آن و کشف رابطه اش با سایر عناصر تربیتی ضروری است که باید در یافتن شیوه‌هایی برای تحقق و گسترش آن تلاش شود. دقت در آثار و جایگاه اصل کرامت در تکوین انسان که از خدوند آغاز می‌گردد و در نبوت الهی تبلور می‌یابد، نیاز به استمرار و توجه ویژه دارد. کرامت، حافظ بسیاری از ارزش‌های الهی و انسانی است و توجه و پاسداری از آن وظیفه مهم هر مسلمان است؛ زیرا در مقابل عواملی مانند جهل زدگی، انحراف از فطرت انسانی، غفلت و فسادزدگی، بی‌توجهی و نقض قانون، ذلت‌پذیری در برابر دشمنان، از خود بیگانگی و پذیرش باورهای غلط قرار می‌گیرد که هر کدام در به سقوط کشاندن انسان نقش مؤثری دارد. (طاهری، ۱۳۸۴)

این موضوع که انسان کریم حافظ شئون انسان و نظام اجتماعی است و انسان لئیم، بزرگترین آسیب برای اجتماع است، کرامت را به نیازی ضروری در تربیت اجتماعی تبدیل می‌کند. کرامت‌مداری در روان‌شناسی، با عنوان حرمت خود یا عزت نفس مطرح است که نیازی تربیتی است. بر این اساس، برای ایجاد جامعه عزتمند در مسیر تکامل، باید در تربیت انسان‌های کریم و حفظ کرامت انسانی کوشا بود. حتی سیاستمداران نیز باید توجه خود را به این امر مبذول نمایند؛ چرا که اجتماع انسانی، نیاز به نظامی دارد که در آن انسان‌ها با حفظ حقوق دیگران و احترام به یکدیگر به سوی تکامل فردی و جمعی حرکت کنند.

در پژوهش حاضر اساسی‌ترین مؤلفه‌های حفظ کرامت زن همانند آگاهی از توانمندی‌های سرشتی، توجه به توانمندی‌های اکتسابی، توجه به نتیجه کرامت، پرورش حیا، پرورش عزت نفس شناسایی شد و مورد بررسی قرار گرفت. همچنین از دیگر مؤلفه‌های مهم حفظ کرامت زن آشنایی با حقوق خویش و نقش‌های تربیتی آن در سبک زندگی اسلامی است که از جمله این نقش‌ها می‌توان به شکل‌گیری شخصیت سالم، تقویت دین‌داری، آراستگی به رفتار عزتمندانه در زندگی، کنترل خود از آلودگی‌ها و افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی اشاره کرد. در صورت توجه به این مؤلفه می‌توان مسیر زندگی زنان جامعه را در نیل به سعادت و حیات طیبه‌ای که سرشار از شفقت، مودت و آرامش روانی است، هموار کرد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۸). مترجم: شیرازی، ناصر مکارم. قم: اسوه.
۱. آمدی تمیمی، عبدالواحد (۱۳۷۳). *غررالحکم ودررالکلم*. شرح: خوانساری، محمد تقی. تهران: دانشگاه تهران.
 ۲. اکبری، محمدرضا (۱۳۷۶). *تحلیل نو و عملی از امر به معروف و نهی از منکر*. تهران: پیام عترت.
 ۳. اککشل، رابرت (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی*. مترجم: قایدشرفی، محمد. تهران: نشر مرکز.
 ۴. حرانی، حسن بن علی بن شعبه (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. قم: جامعه مدرسین.
 ۵. حیدری فرد، معصومه (۱۳۹۱). *حیا از منظرات روایات، آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی آن*. پایان نامه کارشناسی معارف. مدرسه علمیه حضرت زینب علیها السلام: مشهد.
 ۶. دویووار، سیمون (۱۳۸۵). *جنس دوم: حقایق و اسطوره‌ها*. مترجم: صنعوی، قاسم. تهران: انتشارات توس.
 ۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دارالعلم الدارالسامیه.
 ۸. رشاد، علی اکبر (۱۳۸۰). *دانشنامه امام علی علیه السلام*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۹. سبحانی نژاد، مهدی. و آبیککی، زهرا (۱۳۹۱). بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی در محتوای برنامه درسی دوره متوسطه نظری ایران در سال ۱۳۹۰-۱۳۸۹. *نشریه اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱(۸)، ۵۹-۱۰۶.
 ۱۰. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم (۱۳۸۵). *آشنایی با ادیان (کتاب مقدس)*. قم: انجمن معارف اسلامی ایران.
 ۱۱. شریفی، احمدحسین (۱۳۹۱). همیشه بهار، اخلاق و سبک زندگی اسلامی. قم: معارف.
 ۱۲. شیروانی، علی (۱۳۸۵). *نهج الفصاحه*. قم: دارالفکر.
 ۱۳. طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی شخصیت و کرامت انسان. *نشریه پژوهش‌های فقهی*، ۳(۱)، ۶۱-۸۰.
 ۱۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۲). *المیزان فی تفسیرالقرآن*. قم: اسلامی.
 ۱۵. عالمیان، علی اکبر (۱۳۸۷). *کرامت انسان در نهج البلاغه*. مجموعه مقالات اصول و مبانی کرامت انسان. تهران: نشر عروج.
 ۱۶. فقیهی، علی نقی. و شکوهی یکتا، محسن (۱۳۹۲). بررسی عوامل تربیتی و روان شناختی مؤثر بر دین داری دانشجویان: برداشتی از احادیث. *نشریه پژوهش‌های کاربردی روان شناختی*، ۲(۴)، ۱۱۵-۱۳۲.
 ۱۷. فیض الاسلام، علی نقی (۱۳۸۳). *ترجمه و شرح نهج البلاغه*. تهران: فقیه.
 ۱۸. کاوندی، زینب. و صفورایی، محمد مهدی (۱۳۹۱). عزت نفس، احترامی به ملکوت خویشتن با نگاهی از دریچه روان شناسی و دین. *نشریه طهورا*، ۱۲(۴)، ۱۶۵-۱۹۰.
 ۱۹. گری، بنوات (۱۳۸۴). *زنان از دید مردان*. مترجم: پوینده. تهران: جامی.
 ۲۰. المتقی الهندی، علاءالدین علی بن حسام الدین (۱۳۷۲). *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*. بیروت: مؤسسه الرساله.
 ۲۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۲۲. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۱). *میزان الحکمه*. قم: دارالحدیث.
 ۲۳. مصطفوی، حسن (۱۳۸۵). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
 ۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). *تعلیم و تربیت در اسلام*. تهران: صدرا.
 ۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۹۳). *فلسفه اخلاق*. تهران: صدرا.
 ۲۶. معتمدی، عبدالله (۱۳۹۲). سبک زندگی مطلوب بر اساس دیدگاه ارتباطی. *نشریه فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۱۳(۴)، ۱۲۵-۱۴۲.
 ۲۷. معلوف، لویس (۱۳۸۸). *المنجد*. مترجم: بندرریگی، محمد. قم: اسلامی.
 ۲۸. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 ۲۹. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۹۳). *جایگاه زن در اندیشه امام خمینی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 ۳۰. موسوی، رضا. و متقی فر، غلامرضا (۱۳۹۰). شخصیت سالم در اندیشه اسلامی، نگاهی به رابطه آن با نماز در دوران جوانی. *نشریه اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ۲(۳)، ۹۹-۱۲۳.
 ۳۱. نجفی، حسن. و فقیهی، علی نقی. و رهنما، اکبر (۱۳۹۴). راهکارهای ارتقای سلامت روانی فرزندان؛ برگرفته از سبک زندگی اهلبیت علیهم السلام. *نشریه مطالعات اسلام و روان شناسی*، ۱۶(۹)، ۷۹-۱۰۴.
 ۳۲. نجفی، محمد. و متقی، زهرا (۱۳۸۹). تربیت کریمانه در انسان شناسی اسلامی. *نشریه مطالعات اسلامی در علوم رفتاری*، ۲(۱)، ۷۱-۹۸.

۳۳. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل. قم: آل البيت علیهم السلام.
۳۴. ویل دورانت (۱۳۸۴). تاریخ تمدن. تهران: شرکت علمی و فرهنگی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی